

اسلام دین رحمت، محبت و برادری

اسلام دین رحمت، محبت و برادری

عفاف الحکیم

خداوند می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا - وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ * وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا» (سوره آل عمران - 102 و 103) (ای کسانی که ایمان آورده‌اید از خدا آن گونه که حق پروا کردن از اوست پروا کنید و زینهار جز مسلمان نمیرید * و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید و نعمت خدا را بر خود یاد کنید آنگاه که دشمنان [یکدیگر] بودید پس میان دلهای شما الفت انداخت تا به لطف او برادران هم شدید و بر کنار پرتگاه آتش بودید که شما را از آن رها نید این گونه خداوند نشانهای خود را برای شما روشن می‌کند باشد که شما راه یابید.)

ایمان بزرگترین خاستگاه در روابط بشری است زیرا مردم را از کوران دشمنی و کین تیزی به فراخنای رحمت و محبت و برادری، رهنمون می‌گردد.

به همین دلیل است که خداوند تبارک و تعالی طی آیات کریمه این نعمت و این ارزش‌های والای معنوی که زندگی اجتماعی مؤمنان را دگرگون ساخته، به ایشان خاطر نشان می‌سازد و یادآورشان می‌شود که تحولی که آنرا از سر می‌گذرانند بطور اتفاقی و در خلاء صورت نگرفته و حاصل مستقیم داده‌های ایمانی - تمدنی به عنوان آغازگر انسان جدیدی است که شیفته ارزش‌ها و چشم به راه چشم‌اندازهای دانش و معرفت و کوشنده راه تفوای الهی و رفتارهای ایده‌آل و ژرفای حس انسانی می‌باشد.

این انسانی است که تعصب‌ها و نژادپرستی‌ها را پشت‌سر گذاشته و بر رسوبات جاهلیت - به رغم سترگی آنها - شوریده و با برگرفتن سلاح ارزش‌های ربانی - که با قرارگرفتن در صدر اولویت‌های پیامبر خدا

(صليﻲﻟﻪ ﻭﺍﻟﻪ ﻭﺳﻠﻢ) ﻭ ﺍﻫﻞ ﺑﻴﺖ (ﻋﻠﻴﻬﻢ ﺍﻟﺴﻼﻡ) ﻭ ﺭﻫﻨﻤﻮﺩﻩﻫﺎﻱ ﺍﺟﺘﻤﺎﻋﻲ ﺍﻳﺸﺎﻥ ﺑﻪ ﻋﻨﻮﺍﻥ ﺭﺍﻩ ﺍﻳﺪﻩﻟﻲ ﺍﻟﺒﻨﺎﻱ ﻫﻤﺒﺴﺘﻪ ﺍﺟﺘﻤﺎﻋﻲ ﻭ ﺑﺮﻗﺮﺍﺭﻱ ﺟﺎﻣﻌﻪﻟﻲ ﺑﻬﻢ ﭘﻴﻮﺳﺘﻪ ﻳﻚ ﺩﻝ ﻭ ﻣﺘﺤﺪ، ﺟﺎﻣﻌﻪﻟﻲ ﺑﺎ ﭘﻮﺷﺶ ﻫﻤﺪﻟﻲ ﻭ ﻋﺪﺍﻟﺖ ﻭ ﺧﺮﺩﻣﻨﺪﻱ ﻭ ﺑﺮﺍﺩﺭﻱ ﻣﻴﺎﻥ ﻳﻜﺎﻳﻚ ﺍﻓﺮﺍﺩ ﺁﻥ ﺑﺮ ﻋﻘﻞﻟﻪﺎ ﻭ ﺩﻟﻠﻪﺎ ﺟﻴﺮﻩ ﮔﺸﺖ - ﺣﺮﻛﺖ ﺧﻮﺩ ﺭﺍ ﺁﻏﺎﺯ ﻛﺮﺩﻩ ﺍﺳﺖ.

ﺟﺎﻣﻌﻪﻟﻲ ﺑﺎ ﺍﻳﻦ ﻛﻴﻔﻴﺖ ﻭ ﭼﺸﻢﻟﻪ ﺍﻧﺪﺍﺯﻩﻫﺎ، ﻧﺎﮔﺰﻳﺮ ﺑﺎﻳﺪ ﺑﺮﺧﻮﺭﺩﺍﺭ ﺍﺯ ﭘﻴﻮﻧﺪﻩﻫﺎﻱ ﺑﺎﺷﺪ ﻛﻪ ﻣﻴﺎﻥ ﺧﻮﺩ ﻭ ﺧﺪﺍ ﻭ ﺭﺳﺎﻟﺖ ﺧﻮﺩ ﺍﺯ ﻳﻚ ﺳﻮ ﻭ ﻣﻴﺎﻥ ﺧﻮﺩ ﻭ ﺩﯨﮕﺮ ﺍﻓﺮﺍﺩ ﺟﺎﻣﻌﻪ ﺍﺯ ﺳﻮﻱ ﺩﯨﮕﺮ، ﺍﺭﺗﺒﺎﻁ ﺑﺮﻗﺮﺍﺭ ﺳﺎﺯﺩ. ﺍﺯ ﻣﻬﻤﺘﺮﻳﻦ ﺭﻭﺍﺑﻂ ﺗﺮﺑﻴﺘﻲ ﻭ ﻣﻌﻨﻮﻱ ﻛﻪ ﺍﻳﻦ ﺟﺎﻣﻌﻪ ﭘﺲ ﺍﺯ ﺍﻳﻤﺎﻥ ﺑﻪ ﺧﺪﺍﻭﻧﺪ ﻣﺘﻌﺎﻝ ﻭ ﺩﻳﻦ، ﻧﻴﺎﺯ ﺩﺍﺭﺩ ﮔﺴﺘﺮﺵ ﺍﺭﺯﺷﻠﻪﻫﺎﻱ ﻣﻬﺮﻭﺭﺯﻱ ﻭ ﻣﺤﺒﺖ ﻭ ﺑﺮﺍﺩﺭﻱ ﺑﻤﺘﺎﺑﻪ ﺷﺎﻟﻮﺩﻩ ﻣﺴﺘﺤﻜﻢ ﻭ ﻗﺎﺑﻞ ﺍﺗﻜﺎﻳﻲ ﺍﺳﺖ ﻛﻪ ﻫﺮ ﺑﻨﺎﻱ ﺑﻪ ﺁﻥ ﺍﺳﺘﻮﺍﺭﻱ ﻣﻴﻲ ﻳﺎﺑﺪ ﺯﻳﺮﺍ ﺍﺭﺯﺷﻠﻪﻫﺎﻱ ﻣﺰﺑﻮﺭ ﺍﺯ ﺩﯨﺪﮔﺎﻩ ﺍﺳﻼﻣﻲ ﻫﻤﭽﻮﻥ ﺭﻭﺥ ﺩﺭ ﻛﺎﻟﯿﺪﻱ ﺍﺳﺖ ﻛﻪ ﻫﺮﮔﺰ ﻧﻤﻴﻲ ﺗﻮﺍﻧﺪ ﺍﺯ ﺁﻥ ﺑﻴﻲ ﻧﻴﺎﺯ ﺑﺎﺷﺪ ﭼﻮﻥ ﻭﻗﺘﻲ ﺭﺍﻩ ﺧﻮﺩ ﺭﺍ ﺑﺎﺯ ﻣﻴﻲ ﻛﻨﻨﺪ ﺗﺎ ﺑﻪ ﻣﻴﺎﻥ ﺭﮔ ﻭ ﺭﻳﺸﻪ ﺟﺎﻣﻌﻪ ﺟﺎﺭﻱ ﺷﻮﻧﺪ، ﭼﻨﺎﻥ ﺩﺭ ﻋﻤﻖ ﻭ ﺟﺎﻥ ﺑﺨﺶﻟﻪﻫﺎﻱ ﻣﺨﺘﻠﻒ ﺭﻫﻨﮕﻲ، ﺍﺟﺘﻤﺎﻋﻲ، ﺍﻗﺘﺼﺎﺩﻱ، ﺳﻴﺎﺳﻲ ﻭ ... ﺭﺳﻮﺥ ﭘﻴﺪﺍ ﻣﻴﻲ ﻛﻨﻨﺪ ﻛﻪ ﻧﻤﻴﻲ ﺗﻮﺍﻥ ﻣﻴﺰﺍﻥ ﺍﻧﻌﻜﺎﺱ ﻭ ﭘﻴﺎﻣﺪﻩﻫﺎﻱ ﻣﺘﺒﺖ ﺁﻧﻬﺎ ﺭﺍ ﺑﺮﺁﻭﺭﺩ ﻛﺮﺩ.

ﺳﻴﺮﻩ ﺷﺮﻳﻒ ﻧﺒﻮﻱ ﻭ ﺗﺤﻜﻴﻢ ﺍﺭﺯﺷﻠﻪﻫﺎ :

ﺳﻴﺮﻩ ﺷﺮﻳﻒ ﻧﺒﻮﻱ ﻫﻤﭽﻮﻥ ﺳﺘﻮﻥ ﻓﻘﺮﺍﺕ ﺭﺳﺎﻟﺘﻲ ﺗﻠﻘﻲ ﻣﻴﻲ ﺷﻮﺩ ﻛﻪ ﭘﻴﺎﻣﺒﺮﺧﺪﺍ(ﺼ) ﺁﻧﺮﺍ ﺗﻘﺪﻳﻢ ﺗﻤﺎﻣﻲ ﺟﻪﺍﻧﻴﺎﻥ ﻛﺮﺩ ؛ ﺳﻴﺮﻩ ﻧﺒﻮﻱ ﺍﺑﺰﺍﺭ ﻣﯘﺗﺮ ﻭ ﻛﺎﺭﺁﻣﺪﻱ ﺑﺮﺍﻱ ﺍﺭﺍﺑﻪ ﺍﻟﮕﻮ، ﻧﻤﻮﻧﻪ ﻭ ﺳﺮﻣﺸﻖ ﺍﺯ ﺳﺎﺑﻖ ﺍﻳﻦ ﺭﺳﺎﻟﺖ ﺑﯩﺰﺭﮔ (ﺼ) ﻭ ﻣﻌﻴﺎﺭﻱ ﺩﺭ ﺯﻧﺪﮔﻲ ﻣﺴﻠﻤﺎﻧﺎﻥ ﺑﺸﻤﺎﺭ ﻣﻴﻲ ﺭﻭﺩ. ﻫﻤﭽﻨﺎﻧﻜﻪ ﺑﺎ ﺷﺎﻗﻮﻝ ﺁﻥ ﻣﻴﻲ ﺷﻮﺩ ﻣﺘﻌﻬﺪﺍﻥ ﻭ ﭘﺎﻱﻟﻨﺪﺍﻥ ﺑﻪ ﺍﻳﻦ ﺭﺳﺎﻟﺖ ﺭﺍ ﺷﻨﺎﺧﺖ. ﭼﺮﺍﻍ ﺭﻭﺷﻨﻲ ﺩﺭ ﺳﺮﺗﺎﺳﺮ ﺯﻧﺪﮔﻲ ﺑﺸﺮﻳﺖ ﻭ ﺁﻳﻴﻨﻪ ﺗﻤﺎﻡ ﻋﻴﺎﺭﻱ ﺑﺮﺍﻱ ﻫﻤﻪ ﺟﻪﺍﻥ ﻭ ﺑﺎﺯﺗﺎﺑﻨﺪﻩ ﭼﻬﺮﻩ ﻭ ﺭﻭﺥ ﻭ ﮔﻔﺘﻪ ﻭ ﻛﺮﺩﻩ ﻭ ﺍﺧﻼﻕ ﻭ ﺍﺩﺏ ﺍﻧﺴﺎﻥ ﺑﺸﻤﺎﺭ ﻣﻴﻲ ﺭﻭﺩ. ﻛﺴﻲ ﻛﻪ ﭘﻴﮕﻴﺮ ﺣﻮﺍﺩﺕ ﻭ ﺟﺮﻳﺎﻧﺎﺕ ﺳﻴﺮﻩ ﻧﺒﻮﻱ ﺩﺭ ﻣﻜﻪ ﻣﻜﺮﻣﻪ ﻳﺎ ﻣﺪﻳﻨﻪ ﻣﻨﻮﺭﻩ ﺑﺎﺷﺪ ﻭ ﻛﻮﺷﺶﻟﻪﻫﺎﻱ ﻣﻮﻓﻘﻴﺖﻟﻲ ﺁﻣﻴﺰﻱ ﻛﻪ ﭘﻴﺎﻣﺒﺮ ﺧﺪﺍ (ﺼﻠﻲﻟﻪ ﻭﺍﻟﻪ ﻭﺳﻠﻢ) ﺩﺭ ﺍﺻﻼﺥ ﻭ ﺷﻜﻞﻟﻪ ﺩﻫﻲ ﻭ ﺑﻨﺎﻱ ﺟﺎﻣﻌﻪ ﻣﺴﻠﻤﺎﻥ ﻭ ﺩﻭﻟﺖ ﺍﺳﻼﻣﻲ ﺑﻌﻤﻞ ﺁﻭﺭﺩ ﻣﻮﺭﺩ ﺑﺮﺭﺳﻲ ﻭ ﻣﻄﺎﻟﻌﻪ ﻗﺮﺍﺭ ﺩﻩﺩ، ﺩﺭﺧﻮﺍﻫﺪ ﻳﺎﻓﺖ ﻛﻪ ﺍﺯ ﺑﺮﺟﺴﺘﻪﻟﻲ ﺗﺮﻳﻦ ﮔﺎﻡﻟﻲ ﻫﺎﻳﻲ ﻛﻪ ﺑﻪ ﻭﺳﻴﻠﻪ ﺁﻧﺤﺮﺗ (ﺼ) ﺑﺮﺩﺍﺷﺘﻪ ﺷﺪ، ﺗﺤﻜﻴﻢ ﺍﺻﻮﻝ ﻭ ﻗﻮﺍﻋﺪ ﺳﺎﻣﺎﻥﻟﻲ ﺑﺨﺶ ﺭﻓﺘﺎﺭﻫﺎﻱ ﺍﻧﺴﺎﻧﻲ ﺩﺭ ﭘﺮﺗﻮ ﺁﻣﻮﺯﻩﻟﻲ ﻫﺎﻱ ﺍﻟﻬﻲ ﻣﺮﺑﻮﻁ ﺑﻪ ﻧﻈﻢﻟﻪ ﺩﻫﻲ ﺑﻪ ﺯﻧﺪﮔﻲ ﺍﻧﺴﺎﻥ ﻭ ﻣﺸﺨﺺ ﺳﺎﺧﺘﻦ ﺭﻭﺍﺑﻂ ﻭﻱ ﺑﺎ ﺩﯨﮕﺮﺍﻥ ﺩﺭ ﺭﺍﺳﺘﺎﻱ ﺗﺤﻘﻖ ﺍﻫﺪﺍﻑ ﻭﺟﻮﺩﻱ ﺍﻭ ﺩﺭ ﺍﻳﻦ ﺟﻪﺍﻥ ﺑﻪ ﺑﻬﺘﺮﻳﻦ ﻭ ﻛﺎﻣﻠﺘﺮﻳﻦ ﺷﻜﻞ ﺍﺳﺖ.

ﺍﺯ ﺍﻳﻨﺠﺎﺳﺖ ﻛﻪ ﺑﻪ ﻋﻈﻤﺖ ﻭ ﺍﻫﻤﻴﺖ ﺩﺍﺷﺘﻪﻟﻲ ﻫﺎﻱ ﺧﻮﺩ ﭘﻲ ﻣﻴﻲ ﺑﺮﻳﻢ ؛ ﺍﺧﻼﻕ ﻣﺴﻠﻤﺎﻥ ﻭ ﺁﺩﺍﺏ ﺯﻧﺪﮔﻲ ﺍﻭ، ﺁﺩﺍﺑﻲ ﺭﺑﺎﻧﻲ ﻭ ﺍﻟﻬﻲ ﺍﺳﺖ ﻛﻪ ﺳﺮﭼﺸﻤﻪ ﺁﻧﻬﺎ ﻧﻴﺰ ﻭﺣﻲ ﺍﺳﺖ ﻟﺬﺍ ﻫﻤﻮﺍﺭﻩ ﭘﺎﺑﺮﺟﺎ ﻭ ﻭﺍﻻ ﻫﺴﺘﻨﺪ ﻭ ﻓﺮﺍﺧﻮﺭ ﻫﻤﻪ ﺍﻧﺴﺎﻧﻬﺎ ﺑﻪ ﺭﻏﻢ ﺍﺧﺘﻼﻕ ﺩﺭ ﻧﺰﺍﺩ ﻭ ﺟﻨﺲ ﻭ ﺯﻣﺎﻥ ﻭ ﻣﻜﺎﻥ ﻣﻴﻲ ﺑﺎﺷﻨﺪ ؛ ﺍﻳﻦ ﺍﺧﻼﻕ، ﺍﺧﻼﻗﻲ ﻋﻤﻠﻲ ﺍﺳﺖ ﻛﻪ ﻫﺪﻑ ﺍﺯ ﺁﻧﻬﺎ ﺍﻧﻄﺒﺎﻕ ﻭﺍﻗﻌﻲ ﻭ ﺑﻴﺎﻥ ﺭﺍﻫﻪﺎﻱ ﺑﺮﺧﻮﺭﺩﺍﺭﻱ ﻭ ﺁﺭﺍﺳﺘﮕﻲ ﺑﻪ ﺁﻧﻬﺎﺳﺖ. ﺭﻳﺸﻪ ﭘﺎﻱﻟﻨﺪﻱ ﺑﻪ ﺁﻧﻬﺎ ﻧﻴﺰ ﺩﺭ ﺷﻌﻮﺭ ﻭ ﺍﺣﺴﺎﺱ ﺍﻧﺴﺎﻥ ﺩﺭ ﻧﻈﺎﺭﺕ ﻭ ﻣﺮﺍﻗﺒﺖ ﺍﻟﻬﻲ ﺍﺯ ﺍﻭﺳﺖ.

همچنانکه اصول مربوط به آنها نیز عقل سلیم را قانع نمی‌کنند و دل‌ها و وجدان‌ها را خشنود می‌دارند زیرا تنها براساس ظاهر کرده‌ها و اعمال داور نمی‌کنند و نیّت‌های درونی را نیز در نظر نمی‌گیرند. روابط متعلق به اخلاق اسلامی همه کستره‌های زندگی را دربرمی‌گیرند زیرا از ویژگی همه جانبگی برخوردارند و زندگی آدمی از گهواره تا گور را در همه عرصه‌های داخلی، خارجی بشری شامل می‌شوند؛ اندیشه اخلاق دارد، باور اخلاق دارد، دل اخلاق دارد، بدن نیز اخلاق دارد، این اخلاق نیز نه مجرد و بدور از هرگونه تفسیر و توضیحی، که جنبه علت و معلولی دارد؛ اخلاقی میانه، متعادل و همه‌جانبه و دربرگیرنده دنیا و آخرت، روح و ماده، عقل و دل و حق و باطل است.

لذاست که می‌بینیم اخلاق و برخوردهای مسلمانان، نقش بسزایی در تشرّف بسیاری از افراد به دین اسلام دارد.

کسی که به سیره و زندگی پیامبر اکرم (ص) نظری افکند می‌بیند که آنحضرت (ص) با توان و مهارت‌های اخلاقی بالایی با مردم برخورد می‌کرد و توانست دل پیرامونیان خویش و بلکه همه بشریت را تسخیر کند و نزدیکی و محبّت آنان را بخود جلب نماید. از ایشان (ص) نقل است که فرمود: «دوست داشتنی‌ترین و نزدیکترین شما به من در روز قیامت خوش‌اخلاق‌ترین شماست.»

و نیز فرمود (ص): «مؤمنانی از ایمان کامل‌تر برخوردارند که اخلاق بهتری داشته باشند.»

و نیز فرمود: «در ترازوی [اعمال آدمی] چیزی از حُسن خلق سنگین‌تر نیست.»

جامعه اولیه اسلامی با اصول و ارزش‌ها و اخلاق والایی که همدلی میان همگان و از میان برداشتن کین‌توزی‌ها و نیز گسترش ارزش‌های محبت و مهربانی و همدلی و دوستی و برادری میان ایشان را در پی داشت، به اوج پیروزی و عظمت دست یافت.

اسلام شدیداً در پی آنست که محبت و برادری میان همه مردم، میان تمامی خلق‌ها با یکدیگر گسترش یابد و تفاوت در نژاد و رنگ و زبان و وطن و طبقات و... آنها را از یکدیگر جدا نسازد. به رغم تفاوت در برخورداری از ثروت و مقام و موقعیت و برتری خدادادی هرکدام بر دیگری، مجالی برای درگیری‌ها و نزاع‌ها و کین‌توزی‌ها باقی نماند.

زمانی که پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به مدینه مهاجرت کرد اولین اقدام او ایجاد همدلی با محوریت اطاعت از خدا بود چه ابتدا میان [افراد دو قبیله] اوس و خزرج و در پی جنگ‌های سختی که میان آنها درگرفته بود، الفت و دوستی برقرار کرد. محبت ایشان نسبت به یکدیگر افزون شد و دشمنی‌ها کنار گذاشته شد و آنها با حضور اسلام، تبدیل به برادران دوستدار و همدل و یاور و هم‌زم یکدیگر گردیدند. خداوند متعال می‌فرماید: «وَإِذْ كُفِّرُوا زِعْمَةَ اللَّهِ - عَلَیْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءَ فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا» (سوره آل عمران -

103) (و نعمت‌خدا را بر خود یاد کنید، آنگاه که دشمنان [یکدیگر] بودید پس میان دلهای شما الفت انداخت تا به لطف او برادران هم شدید.)

این نعمت کاملی شد که آنحضرت (ص) پیشکش مؤمنان کرد و فرمود: «ای گروه انصار! مگر شما را گمراه ندیدم که خداوند شما را به وسیله من هدایت کرد؛ شما پراکنده بودید و خداوند به وسیله من شما را گردهم آورد.»

به همین خاطر است که می‌گویند اولین معجزه‌هایی که فراخوان به اسلام از همان ابتدا آنرا تجربه کرد، همین تحول و جذب شدن‌ها در جامعه‌ای اسیر خشونت و درگیری‌ها و نبردهای فرسایشی بود و رسالت پیامبر رحمت موفق شد در مدت زمان اندکی، صلح و امنیت را در این منطقه آشفته و پراکنده، برقرار سازد.

اصول و ارزش‌هایی که رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) از آنها به عنوان قواعد سامان بخش رفتارهای انسانی سخن گفت و بدانها فراخواند، اصول و ارزش‌هایی است که جامعه‌ها را و خلق و ملت‌ها را می‌سازند؛ آنها ارزش‌ها و اصولی هستند که اگر جوامع معاصر ما بدانها پای‌بند باشند و طبق آنها رفتار کنند همه عقب‌ماندگی‌ها و درگیری‌ها و خواری‌ها و پراکندگی‌های این جوامع از میان می‌رود و از آنجا ارزش‌های رحمت و مودت و دوستی و مهربانی و برادری و دیگر اخلاق و فضایل تمایزبخش مسلمانان، بر آنها حکمفرما می‌گردد؛ اینک ما به قصد عمومیت بخشیدن به روح الفت و همدلی میان بخش‌های مختلف امت، نظری به سه ارزشی می‌اندازیم که در شکل‌گیری و پیدایش "خیرامة اخرجت للناس" (بهترین امتی که برای مردم پدید آمد) سهم بسزایی داشتند.

یکم: اسلام دین بخشش و مهربانی:

اقتضای صفت بخشش و مهربانی، برخوردار ساختن مردم از منافع و مصلحت‌ها حتی در صورت عدم تمایل خودشان است. واژه رحمت در قرآن کریم به معانی بسیاری وارد شده است از جمله به معنای الفت و محبت میان اهل ایمان چنانکه در این سخن الهی مطرح شده است: «وَجَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَرَحْمَةً» (سوره الحديد-27) (و در دل‌های کسانی که از او پیروی کردند رأفت و رحمت نهادیم). این عاطفه انسانی که خداوند متعال آنرا در انسان بودیعه نهاد و از آن حمایت کرد و با آموزه‌های پیامبران به رشد و پرورش آن پرداخت تا به عنوان قاعده و اساس روابط افراد و گروه‌ها با یکدیگر درآید، در واقع شالوده عقیده را تشکیل می‌دهد زیرا هم قاعده میان خدا و انسان و هم اساس رابطه میان امت و پیامبر (ص) بشمار می‌رود همچنانکه شالوده جامعه انسانی مبتنی بر این قاعده است و نتیجتاً از جمله صفات پیامبر رحمت و هدایت شمرده می‌شود. خداوند متعال در توصیف پیامبر خدا (ص) و مؤمنانی که همراهش بودند می‌گوید: «مُحَمَّدٌ رَّسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (سوره الفتح-29) (محمد [ص] پیامبر

خداست و کسانی که با اویند بر کافران سختگیر [و] با همدیگر مهربانند...)

پیامبر خدا (ص) بطورکلی با مردم و بویژه با مؤمنان، بسیار مهربان بود لذا خداوند متعال چنین وصفی

از وی بعمل آورده، او را مورد ستایش قرار می‌دهد و فضایلش را برمی‌شمارد: «فَدِيمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَافْتَضُوا مِنَّا وَوَلَيْكَ» (سوره آل عمران - 159) (پس به [برکت] رحمت الهی با آنان نرمخو [و پرمهر] شدی و اگر تندخو و سختدل بودی قطعاً از پیرامون تو پراکنده می‌شدند.) و در سوره توبه می‌فرماید: «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ» (سوره التوبه - 128) (قطعاً برای شما پیامبری از خودتان آمد که بر او دشوار است [شما در رنج بیفتید به [هدایت] شما حریص و نسبت به مؤمنان دلسوز مهربان است.)

عناصر اصلی رحمت و مهربانی:

اسلام پرشکوه‌ترین آیین‌های منجر به دوستی و همدلی و محبت را در جهت گسترش مهمترین و ارزشمندترین ابزارهای پیوند مردم با یکدیگر یعنی: مهربانی و محبت و برادری، تشریح کرده است. از امام جعفر صادق (علیه السلام) روایت شده که فرمود: «از خدای بترسید و در راه خدا برادران دوستدار و مهربان و نیکوی یکدیگر باشید و با همدیگر رفت و آمد و دیدار داشته باشید و ما را یاد کنید و مسایل ما را زنده نگاه دارید.»

بنابراین انسان باید در جهت تحکیم و تقویت عناصر محبت و رحمت به عنوان شالوده و اساس هر چیزی و نیکی در خود بکوشد زیرا پروراندن عشق و محبت به خدا و به پیامبر و به اولیا و اهل بیت پیامبر در دل، یکی از اصول آیین اسلام است و بدون آن انسان به موجود تندخو و سختدلی تبدیل می‌شود که قادر به کنار آمدن با خود و دیگران نیست و مردم از پیرامون وی می‌روند. و از آنرو که اگر این رحمت و مهر به درستی پرورانده شود، انگ خود را بر همه روابط و پیوندهای انسان با آفریدگار و آفریده‌ها و حتی با حیوانات و جمادات، بجای می‌گذارد.

از اینجاست که با نگاهی گذرا به آموزه‌های دینی و متون اسلامی به میزان توجه و پافشاری اسلام نسبت به پاکی و صفای درونی مؤمن در جهت امکان برعهده‌گیری مسئولیت‌های سترگ و ایفای نقش مهم خود در این زندگی، پی می‌بریم زیرا درگیری‌های درونی مستلزم آلودگی جان به کینه و نفرت از دیگر افراد جامعه است و همه می‌دانیم که کینه‌ها و کین‌ورزی‌ها چه آسیبی به پاکی و صفای دلها وارد می‌آورد؛ کین‌توزی بیماری‌کننده‌ای است که جان را می‌خورد و آنرا تیره و تار می‌سازد لذاست که مولای متقیان حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: «کین‌توزی پست‌ترین عیب‌هاست.» و در حدیث دیگری، آنحضرت (ص) کسی را که خداوند متعال از بیماری کین‌توزی رها نیده است مژده زندگی آسوده و آرامی در اندیشه و دل می‌دهد و می‌فرماید: «هرکس کینه‌ها را بدور ریزد دل و مغز خود را آسوده است.»

لذا باید به حال کسانی که تنها به دلیل اختلاف نظر یا تفاوت دیدگاه، دل‌های خود را سرشار از کینه و نفرت از دیگران می‌سازند، افسوس و اندوه خورد. مؤمن همواره از ژرفای دل از خدای خود می‌خواهد تا

دل او را از کینه و دشمنی نسبت به مؤمنان رهایی بخشد. خداوند متعال می‌گوید: «رَبِّدِّينَا اَعْفِرْ لَدِنَا وَاغْفِرْ لِدِينِنَا وَارْحَمْنَا اِنَّنَا لَكَاذِبُونَ» (سوره الحشر - 10) (پروردگارا بر ما و بر آن برادرانمان که در ایمان آوردن بر ما پیشی گرفتند ببخشای و در دل‌هایمان نسبت به کسانی که ایمان آورده‌اند [هیچ گونه] کینه‌های مگذار پروردگارا راستی که تو رئوف و مهربانی.)

تردیدی نیست که دشمنی‌ها، دین آدمی را تضعیف و کارآمدی وی را می‌کاهند و تمام فکر و ذکر او را به تردید و بی‌اعتمادی به دیگران مشغول می‌سازند؛ وقتی انسان درگیر خصومت و جنگ با دیگران باشد در برابر دو گزینه قرار می‌گیرد: یا باید کوتاه بیاید و شکست را پذیرا شود و یا بیشترین زیان را به طرف دیگر وارد آورد که هر دوی این گزینه‌ها برای انسان مؤمن مشکل‌ساز است.

از اینجاست که به میزان تأکید و پافشاری پیامبر اکرم (ص) نسبت به رحمت و مهرورزی با دیگران پی‌می‌آوریم، چه فرموده است: «سوگند به آنکس که جانم بدست اوست تنها مهربانان به بهشت راه می‌یابند.» زیرا انسان مهربان، کسی است که با خویشتن خویش از در آشتی درآمده و به ثبات و پایداری در زندگی رسیده و در محیط و با همسایگان و خویشان و پدر و مادر و اعضای خانواده‌اش در نوعی آشتی و مصالحه زندگی می‌کند.

خداوند متعال در سوره الروم می‌گوید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْتَفُونَ» (سوره الروم - 21) (و از نشانه‌های او اینکه از [نوع] خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدانها آرام گیرید و میانتان دوستی و رحمت نهاد آری در این [نعمت] برای مردمی که مردمانندیشنند قطعاً نشانه‌هایی است.)

دوم: اسلام دین محبت و مهرورزی:

هیچ دینی همچون اسلام، نویدبخش سعادت پیروان خود نیست؛ از نظر اجتماعی، عنوان محبت را مطرح می‌سازد و آنرا بمثابه کنه دین و حقیقت و جوهر آن معرفی می‌کند. عشق و دوستی در راه خدا و نفرت و دشمنی برای خدا، بیانگر توحید و نفی شرک از شالوده‌ها و اصول این دین بشمار می‌رود. لذاست که روایاتی که دوستی و عشق را خود دین معرفی می‌کنند به فراوانی مطرح شده‌اند؛ در این راستا از امام محمدباقر (علیه السلام) روایت شده که فرمود: «مگر دین جز محبت است؟» و خداوند متعال می‌فرماید: «حَبِّبْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَبَيْنَ الَّذِينَ كَفَرُوا» (سوره الحجرات - 7) (... [خدا] ایمان را برای شما دوستی‌داشته گردانید و آن را در دل‌های شما بیاراست.) و نیز می‌فرماید: «إِنَّ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ» (سوره آل عمران - 31) (اگر خدا را دوست دارید از من پیروی کنید تا خدا دوستتان بدارد.)

بنابراین دوستی برای خداوند متعال پایه و محور زندگی انسان مسلمان و شالوده همه محبت‌ها و دوستی‌های دیگر است لذا حتما باید از هر دوستی و محبت دیگری در زندگی وی، شدیدتر و بیشتر باشد. این دوستی فراتر از همه دوستی‌ها و در عین حال سرچشمه همه دوستی‌هاست. دوستی و محبتی است که عاطفه آدمی را شکل می‌بخشد و برای خدا و در راه خدا به آنکس که خدایش فرمان می‌دهد و دوستی‌اش ادامه دوستی و عشق به خداست، دوستی و محبت می‌ورزد و با دشمنی و خصومت نسبت به دشمنان خدا فرین می‌شود زیرا دوستی با خداوند متعال هرگز با دوستی با دشمنان خدا، یکجا گردهم نمی‌آید؛ هواداری و دوستی خداوند متعال با هواداری از دشمنان خدا سنجی‌تی ندارد و محبت انسان به خدا و در راه خدا نیز نمی‌تواند برکنار از دشمنی و خصومت و برخوردی منفی با دشمنان خدا باشد...: «فُلْ إِنْ كَانَ أَبَاؤُكُمْ ° وَأَبْنَاؤُكُمْ ° وَإِخْوَانُكُمْ ° وَأَزْوَاجُكُمْ ° وَعَشِيرَتُكُمْ ° وَأَمْوَالٌ أُقْتِرَفْتُمْ مَوْهَبًا وَتِجَارَةً ° تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا ° وَمَسَاكِينُ تَرْضَوْنََهَا ° أَلْحَبَّ إِلَيْكُمْ مِّنَ اللَّهِ ° وَرَسُولِهِ ° وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ ° فَتَرَبَّصُوا ° حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ ° وَاللَّهُ لَآ يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ» (سوره التوبه - 24) (بگو اگر پدران و پسران و برادران و زنان و خاندان شما و اموالی که گرد آورده‌اید و تجارتی که از کسادهای شماست و سراهایی را که خوش می‌دارید نزد شما از خدا و پیامبرش و جهاد در راه وی دوستی‌داشتند، تر است پس منتظر باشید تا خدا فرمانش را [به اجرا در] آورد و خداوند گروه فاسقان را راهنمایی نمی‌کند.)

بدینگونه است که محبت برای خدا باید فراتر از محبت آدمی به فرزندان و پدر و مادر و کار و کاسبی‌اش باشد: «وَالَّذِينَ آمَنُوا ° أَشَدُّ حُبًّا لِّلَّهِ» (سوره البقره - 165) (ولی کسانی که ایمان آورده‌اند به خدا محبت بیشتری دارند.)

این محبت همچون اطاعت و فرمانبری، قاطع، مطلق و بی هیچ قید و شرط، مؤثر و بنیادی است. خداوند متعال می‌گوید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ° أَطِيعُوا اللَّهَ ° وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ ° وَأُولِي الْأَمْرِ ° مِنكُمْ» (سوره النساء - 59) (ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را [نیز] اطاعت کنید.)

بدین ترتیب اطاعت از اولیای امر پس از رسول خدا در پیوند با اطاعت از خدا و رسول قرار می‌گیرد و حکم همان اطاعتی را دارد که برای خدا و رسول بر مؤمنان فریضه شده و پس از رسول خدا نیز به اولیای امر انتقال می‌یابد.

بنابراین محبت به رسول خدا (ص) و اولیای امر پس از آنحضرت (ص)، در واقع شاخه‌ای از محبت به خداوند متعال است. از رسول خدا (صلی‌الله‌علیه و آله وسلم) روایت شده که فرموده است: «سوگند به آنکه جانم به دست اوست کسی از شما ایمان نیاورده مگر مرا بیش از پدر و مادر و فرزندانش دوست داشته باشد.» در ادامه محبت به رسول خدا (ص)، محبت به اهل بیت (ع) او و سپس اولیای امر قرار

می‌گیرد.

برترین سرچشمه‌های محبت در دل آدمی، محبت به خدا و برای خدا و دوستی متقابل با دیگران است. در این رابطه از امام محمدباقر (علیه‌السلام) روایت شده که فرمود: «اگر خواسته باشی بدان که خیری در تو وجود دارد به قلب خود نگاه کن و بین اگر اهل طاعت خداوند عزوجل را دوست می‌داری و با معصیت‌کارانش دشمنی می‌ورزد بدان که در تو خیر هست و خداوند ترا دوست می‌داند ولی چنانچه با اهل طاعت خداوندی دشمنی می‌ورزد و معصیت‌کارانش را دوست می‌داند بدان که خیری در تو نیست و خداوند نیز ترا دوست نمی‌داند و آدمی همراه با آنی است که دوست می‌داند.»

بنابراین محبت برای خدا و دشمنی برای خدا، معیار و مقیاس دقیقی برای شناخت خلوص و پاکی دلها برای خداوند متعال است.

و برای همه اینهاست که محبت انسان به برادر دینی‌اش، نشان از محبت و دوستی او به خدا دارد؛ در زندگی آدمی چیزی برتر و بهتر از آن نیست که برای خدا دوست بدارد و برای خدا دشمنی ورزد و برای خدا ببخشد و برای خدا بازدارد و اگر چنین شد و اینها همه در دل انسان مسلمان شکل گرفت، نشانه‌ای است که توحید خالص را به قلبش می‌نشانند و دلش را برای خداوند متعال پاک و خالص می‌گرداند. از رسول خدا (صلی‌الله‌علیه و آله وسلم) آمده که فرموده است: «دوستی و محبت مؤمن نسبت به مؤمن از برترین شاخه‌های ایمان است؛ بدانید هرکس برای خدا دوست داشت و برای خدا دشمنی ورزید و برای او بخشید و برای او بازداشت، از برگزیدگان خداوند است.»

عوامل الفت و محبت:

می‌دانیم که در شخصیت مؤمن، اصل الفت و محبت نسبت به دیگران است و نفرت و کین نسبت به دیگران (جز دشمنان خدا) در شمار اخلاق مؤمن نیست و ویژگی فاسقان و نابکاران است.

امام جعفرصادق (علیه‌السلام) در روایتی، کشش قلب مؤمن نسبت به برادر مؤمنش را با دوری دل‌های فاسقان از یکدیگر مقایسه کرده می‌فرماید: «نزدیکی و الفت دل‌های نیکان در دیدار با یکدیگر حتی اگر دوستی خود را بر زبان نیاورند چون سرعت بارش آسمان بر آب‌های رودخانه‌هاست و دوری دل‌های نابکاران در دیدار با یکدیگر حتی اگر دوستی خود را بر زبان جاری کنند به دوری چارپایان از همدلی و مهرورزی با یکدیگر به رغم سر بردن در یک‌آخور به مدتی طولانی است.»

وقتی دل‌ها، الفت می‌گیرند و مهر و محبت به هم می‌ورزند خداوند متعال برکات و توفیق خود را نثارشان می‌سازد ولی هنگامی که تفرقه و نزاع و درگیری حکمفرما شود و بر روابط چیره گردد خداوند برکات خود را دریغ می‌دارد و تأییدات و توفیقاتش را از آنان سلب می‌کند. ای بسا در اشاره به همین نکته است که در حدیث شریفی از رسول خدا (ص) آمده است: «یدا مع الجماعة» و «الجماعة رحمة و الفرقة عذاب» (دست خدا همراه با جمع است.) و (جماعت رحمت و تفرقه عذاب است.)

اسباب محبت :

اسلام در راستاي توجه جدّي به بناي جامعه الگويي که مهر و محبت بر آن حکمروا باشد، ویژگی‌هايي را مطرح ساخته که به فراهم آوردن محبت و برخورداري از آن در صورت اعمال آنها مي‌انجامد. ما خلاصه‌وار به شماری از این ویژگی‌ها اشاره مي‌کنیم :

1- حُسن نیت :

نیت و خواست قلبي، تأثیر بسزايي در اعمال و رفتار آدمي دارد که خود متوجه آنها نیست. از جمله نتایج و پیامدهاي آن فراهم آمدن محبت میان مردم است. از امیرمؤمنان علي (عليه‌السلام) روایت است که فرمود: «هرکس نیتش پاک شود پاداشش افزون و زندگیش سعادت‌مند گردد و مودت‌ش واجب شود.»

2- خوش‌گمانی به مردم :

از اخلاق والا و پسندیده آدمي، خوش‌گمانی به مردم و حمل [گفتار و کردار و رفتار] آنها بر وجه درست است ؛ این کار محبت و مهربانی بدنبال دارد ؛ از امام علي (عليه‌السلام) روایت شده که فرمود : «هرکس به مردم خوش‌گمان شود، محبت ایشان را بدست آورد.»

3- حسن معاشرت :

خوشرفتاري و معاشرت نیکو با همراهان، محبت بدنبال دارد. از امام علي (عليه‌السلام) است که فرمود : «خوش‌رفتاري و مصاحبت نیکو، محبت دلها را مي‌افزاید» و نیز : «با حُسن معاشرت، محبت‌ها تداوم مي‌یابد.»

4- خوشرويي :

به معنای روي خوش نشان دادن و برخورد خوب داشتن است و از امام علي (عليه‌السلام) روایت شده که فرمود : «خوشرويي، تورشکار محبت است.» یعنی که مي‌توان با لبخند و بشاش بودن، محبت شکار کرد. 5- اخلاق نیکو :

که در واقع حالي رواني است که کردارهاي آدمي به سادگي از آن صادر مي‌شود ؛ گفته شده است که اخلاق نیکو، خیر دنیا و آخرت را بدنبال دارد زیرا خیر و سعادت صاحب خود را یکجا گرد مي‌آورد. در حدیث نیز آمده است : «از صفات دینداران، اخلاق نیکوست.»

6- نرمخويي با دیگران :

نرمخويي همان ملایمت و نقطه مقابل خشونت و تندخويي است. در حدیث آمده است : «نرمخويي نیمی از زندگی است.» و از امیرمؤمنان (ع) آمده که فرمود : «نرمی و گشاده‌دستی آدمي، او را برای دشمنانش نیز دوست داشتنی مي‌سازد.»

7- فروتنی :

از امام رضا (عليه‌السلام) در تعریف فروتنی و تواضع آمده است : «فروتني آنست که به مردم همان را دهی که دوست داری به تو بدهند.» و از امام علي (عليه‌السلام) روایت شده که فرمود : «سه چیز است که

محبت بدنبال می آورد ؛ اخلاق نیکو، نرمخویی و فروتنی.»

8 - گشاده دستی :

از مهمترین عوامل جلب محبت، گشاده دستی است. از امیرمؤمنان علی (علیه السلام) آمده است : «چیزی چون گشاده دستی و نرمخویی و اخلاق نیکو، محبت را جلب نمی کند.» نیز از آنحضرت (ع) : «گشاده دستی، محبت می آورد.»

9- اظهار محبت به مردم :

از جمله برجسته ترین عوامل کسب محبت دیگران، اظهار محبت و دوستی به ایشان است. طبیعی است هرکس نسبت به دیگران دوستی ورزد آنها نیز دوستی اش می ورزند و خواهان او می شوند ؛ از امام باقر (علیه السلام) نقل شده که فرمود : عربی از بنی تمیم به حضور پیامبر (ص) رسید و از ایشان خواست تا او را سفارشی کنند. آنحضرت (ص) از جمله به وی فرمودند : «مردم را دوست بدار تا ترا دوست بدارند.»

سوّم : اسلام دین برادری :

در میان پیوندهای متقابل مردم با یکدیگر، برادری یا لاترین مرتبه نزدیکی و الفت است و تعبیر رابطه میان مؤمنان به برادری، خود گویای عمق این پیوند است.

خداوند متعال می فرماید : «إِنَّ زَمَّامَ الْاَلْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (سوره الحجرات - 10) (در حقیقت مؤمنان با هم برادرند.)

و از امام جعفر صادق (علیه السلام) روایت شده است : «مؤمن برادر مؤمن و چشم و راهنمای اوست. خیانتش نمی کند، ستمش روا نمی دارد، فریبش نمی دهد و پیمانش را نمی شکند.» پیامبر اکرم (ص) نیز فرمود : «مؤمنان با یکدیگر برادرند و خونشان برابر و در برابر دیگران همدست و همصدایند.»

بدین ترتیب می توان نتیجه گرفت شالوده ای که اصل مسؤولیت اجتماعی بر آن استوار می شود، وحدت امت است که همچون يك پیکر : جو عضوي بدرد آورد روزگار - دگر اعضوها را نماند قرار. افراد این امت [امت اسلامی]، عضو يك خانواده هستند و همبستگی و همکاری و همدلی اعضای خانواده شامل حال آنها نیز می شود.

از امام زین العابدین (علیه السلام) روایت شده که به "الزهري" فرمود : «اي زهري! چرا مسلمانان را به منزله خانواده خویش در نظر نمی گيري و بزرگشان را همچون پدر، کوچکشان را چون فرزند و همسالان را چون برادر خویش نمی نگاري؟»

این تصور وجدانی از امت، مستلزم آنست که جامعه بر اساس احساس مسؤولیت، همبستگی، همدلی و همیاری استوار شده باشد ؛ چنین جامعه ای همبسته و یکدل و پیوسته به یکدیگر است و هرکدام از اعضای آن به

همان‌گونه که مسؤولیت خویش و مسؤولیت نیازهای خویش را برعهده دارند، مسؤولیت دیگران را نیز برعهده می‌گیرند.

انسان مسلمان با دشواری‌ها و موانع مسؤولیت‌های کار و زندگی خویش یکه و تنها روبرو نمی‌شود؛ این مسؤولیت‌ها را همه مسلمانان با تفاق برعهده دارند. هر مسلمان مسؤول یکایک مسلمانان است و هر مسلمان با این حق را بر گردن یکایک مسلمانان دارد که در برابر مسؤولیت‌ها و مشکلات و گرفتاری‌هایی که با آنها روبرو می‌شود از آنها باری جوید و از حمایتشان برخوردار شود و البته به همان میزان مسؤولیت دیگران را نیز برعهده می‌گیرد.

با مراجعه به متون اسلامی مربوطه خواهیم دید که مسئله حقوق و مسؤولیت‌ها از جمله برجسته‌ترین مسایل در ساختار امت در شالوده و در شکل‌گیری آن بشمار می‌رود.

بنیادهای عاطفی مسؤولیت :

پیش از این دیدیم که مسؤولیت در جامعه اسلامی براساس احساس تکلیف شرعی شکل می‌گیرد حال آنکه در جوامع معاصر کنونی مسؤولیت‌ها بر دوش دولت قرار می‌گیرد و از هرگونه مضمون روانی تهی می‌گردد و انسان نیز در این جوامع از احساس مسؤولیت خویش مجرد می‌گردند.

ولی اسلام - همچنانکه گفتیم - در بنای جوامع، به عواطف و احساسات نقشی اساسی می‌بخشد و مسؤولیت‌پذیری فرد مسلمان را نشانه درستی کار و عدم مسؤولیت‌پذیری را نشان بیماری جامعه تلقی می‌کند.

البته مسؤولیت‌پذیری دولت در برابر امت نیز چیزی از بار مسؤولیت افراد نمی‌کاهد؛ پیامبر اکرم (ص) در همین راستاست که می‌فرماید: «همگی چوپانید و همگان مسؤول گله خویش هستید.» همچنین ایشان (ص) می‌فرمایند: «هرکس بشنود که کسی مسلمانان را به باری طلبیده ولی به باری‌اش نشتابد، مسلمان نیست.»

بدین ترتیب مسؤولیت باری رسانی به مسلمان و حمایت و کمک به او در صورت نیاز به هیچ عنوان از دوش دیگر مسلمانان ساقط نمی‌شود و در صورتی که یکی از مسلمانان به دلیل شرایط اضطراری درخواست کمک کرد مسؤولیت باری رسانی متوجه تمامی مسلمانان است. این حالت منحصر بفردی از مسؤولیت همگانی و عمومی در برابر امت است که در اصول فقه از آن به عنوان "واجب کفایی" یاد می‌شود. "واجب کفایی" شامل همه مسلمانان می‌گردد و تا هنگامی که یکی از مسلمانان نسبت به انجام آن اقدامی نکرده باشد بر دوش همه مسلمانان است؛ در حدیث هم آمده است: «پرستش خداوند، به چیزی بهتر از ادای حق مؤمن نیست.»

رویارویی با مشکلات و اختلاف‌ها :

اسلام با مشکلات و اختلاف‌هایی که ممکن است میان برادران و دوستان پیش آید، به دو شیوه برخورد

می‌کند:

* پیشگیری پیش از وقوع.

* و شیوه حل اختلاف‌ها و از میان برداشتن حساسیت‌ها پس از وقوع.

1- پیشگیری :

از امام علی (علیه‌السلام) آمده است که فرمود : «هرکس برهرخطایی، برادرانش را بازخواست کند، شمار دوستانش کاهش پیدا می‌کنند.»

و نیز فرمود (ع) : «برادرت را با آنچه هست، تحمل کن و در سرزنش وی زیاده‌روی مکن که کینه و نفرت بدنبال می‌آورد.»

تردیدی نیست که سعه صدر و گنجایش داشتن در برخورد با دوستان و برادران از مهمترین عوامل پیشگیری از مشکلات است ؛ راه درست و اصولی رویارویی با آنها نیز در چشم‌پوشی، تسامح، گذشت، بردباری و سعه صدر در برخوردها و تحمل خطاها و لغزش‌های دیگران است ؛ پیامبرخدا(ص) نیز فرموده است : «نیمی از مؤمن، چشم‌پوشی است.»

و از امام علی (علیه‌السلام) آمده که فرمود : «از والاترین اخلاق بزرگواران، چشم‌پوشیدن از دانسته‌های خویش است.»

2- شیوه درمان :

مهمترین ابزار در درمان اختلاف‌های میان برادران و دوستان از نظر اسلام،

آنست که دیگران برای حل اختلاف‌ها و از میان برداشتن حساسیت‌ها به میانجیگری بپردازند. در این رابطه پیامبراکرم (ص) می‌فرماید : «اصلاح ذات‌البین از عموم نماز و روزه برتر است.»

و نیز می‌فرماید(ص) : «پس از اقامه فرایض، هیچ کاری بهتر از آشتی دادن مردم با یکدیگر و میانجیگری یعنی گفته نیکو و آرزوی نیکو، نیست.»

و از مولای متقیان علی (علیه‌السلام) در سفارش به فرزندش امام حسن (ع) آمده است : «اگر دوست و هم‌کیشتم تماسش را با تو گسست، تو پیوندت را با وی بیشتر استوار کن و چون دیدی که پیمان‌ش را با تو شکست، تو بر لطف و نزدیکی بیفزای و گرمتر از پیش با او دم از مهر و وفاداری بزن و هرگاه دریافتی که آدمی خسیس است تو با وی از در بخشش درآی و چنانچه پی بردی که تندی و دوری می‌ورزد تو بردباری پیشه گیر و روی خوش به او بنمائی بدیهای او را ببخش و پوزشهایش را بپذیر...» (نهج‌البلاغه، نامه شماره 31 به فرزندش حسن بن علی علیه‌السلام - صفحه 403 نسخه صبحی الصالح - ترجمه آقای محسن فارسی - م.)

وقتی یکی از طرفین اقدام به صلح با دیگری کند و دست آشتی دراز نماید ولی دیگری پاسخی به آن نمی‌دهد و دست خود را پس می‌کشد، این نهایت پستی و از جمله زشت‌ترین کارهاست ؛ در این مورد امام جعفرصادق(علیه‌السلام) می‌فرماید : «ملعون است، ملعون است کسی که برادرش برای آشتی قدم پیش

می‌گذارد ولی او پاسخش نمی‌گوید.»

ما وظیفه داریم بخاطر داشته باشیم اسلام به ما آموخته که حتی دشمن خود را دوست بداریم و به بهترین روش با او گفتگو کنیم تا او را در بُعد عملی و در واقعیت خارجی، به دوستی صمیمی و یکدل تبدیل سازیم چنانکه خداوند متعال نیز در قرآن مجید می‌فرماید: «إِنَّ زَمَّامًا لِّمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (سوره الحجرات - 10) (در حقیقت مؤمنان با هم برادرند...) سپس می‌افزاید: «فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ»

(پس میان برادرانتان را سازش دهید.)

و از امام جعفر صادق (ع) آمده است: «مؤمن برادر مؤمن است، چشم و راهنمای اوست و خیانتش نمی‌کند، ستم بر او روا نمی‌دارد و فریبش نمی‌دهد و با او خلف وعده نمی‌کند.» پیامبر خدا (ص) نیز فرموده است: «هرکس به مسایل مسلمانان بی‌توجه گردد، مسلمان نیست.»

تعمیم روح برادری و محبت میان بخش‌های امت:

تردیدی نیست که هر مؤمن صادق و با ایمانی با تمام وجود آرزو می‌کند که امت و جامعه‌اش را متحد، همبسته و بدور از درگیری‌ها و نزاع‌ها و برکنار از فرقه‌گرایی‌های تنگ‌نظرانه و فاقد مهر و محبت و تسامح و مدارای اسلامی ببیند.

هیچ تردیدی نیست که همه مجاهدان آگاه و مخلصان امیدوار، آرزو دارند که جوامع امت خود را سرشار از محبت و برادری و انواع همکاری‌ها و همیاری‌ها و بسان عاملان الهی درهرجا «يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ مَفْسًا كَأَنَّهُمْ بُنيَانٌ مَّزْمُومٌ» (سوره صف - 4) (صف در صف چنانکه گویی بنایی ریخته شده از سرب‌اند جهاد می‌کنند.) بیابند و چشم انتظار کوشش‌ها اقدامات مرکز یا مجمعی از سوی علمای امت برای رویارویی با فتنه‌ها و ترفندهای دشمنان در این مرحله حساس هستند.

کوششی برای کاشت و پرورش روح اخوت و احیای روابط صادقانه در جوامع ما بر پایه برادری و در راه خدا و محبت برای خدا.

بنا بر این مسؤولیت شرعی همه ما پاسداری از این دین در برابر یورش‌ها و شیخونها و دور ساختن خود و محیط و جامعه خود از تعصب‌ها و عصبیت‌ها و تکفیرها و نیز تلاش و کوشش مجدانه در گرایش‌ها و گفتمان‌ها و مقابله با منحرفان و نفوذی‌هایی است که با شعارها و اعمال توهین‌آمیز نسبت اسلام و مسلمانان و به سود مستکبران و اهداف و آماج‌های ایشان در جهت متفرق ساختن امت می‌کوشند.

همچنانکه علمای مخلص ما نیز باید نقش خود را در ترسیم اولویت‌های مرحله و روشنگری میان مردم پیرامون خود در جهت مشارکت همگان در حفظ منافع و مصلحت و وحدت امت و اولویت گفتمان‌ها، اندیشه‌ها و شیوه‌های فعالیت‌ها و گام‌های مورد نیاز، ایفا نمایند.

امروزه جمهوری اسلامی ایران به رهبری مقام معظم رهبری حضرت آیه‌الله خامنه‌ای و با شخصیت مؤثری چون

دکتر محمود احمدی‌نژاد بحمدالله تعالی با تمام امکانات و توانایی‌های خود به تحکیم و تقویت این اصل – که امام خمینی (قدس سره) آنرا احیا کرد و بدان اولویت بخشید – می‌کوشد.

ایده‌ها و اندیشه‌های این امام بزرگ (قدس سره) که خود سر تا پا اسلام مجسم و سرشار از اسلام بود، همچنانکه دیدیم در حجم و اندازه اسلام – تمامی اسلام و نه یک مذهب یا گروه خاصی – بود؛ او امت را در تمامی عناصر تشکیل‌دهنده آن می‌دید و طبق دیدگاه‌های او، اهل سنت و شیعیان یک اسلام را تشکیل می‌دادند و برای دشمنانی که مترصد آنها هستند و تفاوتی میان این یا آن مسلمان قایل نیستند، هدف واحدی را تشکیل می‌دهند؛ ایشان در این باره می‌فرمایند: «آنهايي که درصدد ایجاد تفرقه میان برادران اهل سنت و شیعه برمي‌آیند به سود دشمنان اسلام عمل می‌کنند و توطئه می‌چینند و بدنبال تحقق چیرگی دشمنان اسلام بر مسلمانان هستند؛ ما باید هوشیار باشیم و... و بدانیم که حکم "إِنَّ نَمَّالَةَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ إِنْ كُنْتُمُ الْمُؤْمِنِينَ حَتَّى تَبْلُغُوا الْحُلُمَ" ، حکمی الهی است. آنها با یکدیگر برادرند و میان ایشان پیوندی جز برادری وجود ندارد و ما همه مکلفیم که همچون برادر با یکدیگر برخورد کنیم و برادران اهل سنت و شیعه نیز باید از هرگونه اختلافی بپرهیزند. امروزه اختلاف‌هایی ما تنها و تنها به سود کسانی است که نه به مذهب شیعه اعتقاد دارند و نه به مذهب حنفی و نه به هیچ فرقه دیگری...» [برگردان سخنان امام (ره) از متن ترجمه شده به عربی]. امام (قدس سره) با بینش و درک خود از اسلام بخوبی میزان اهمیت وحدت در نزدیک شدن و الفت مسلمانان به همدیگر را دریافته بود لذا در وهله نخست به عنوان مرجع تقلید و در وهله بعد به عنوان ولی امر مسلمین و رهبر آنها – در آنزمان – اقدام به صدور فتوای شرعی مربوط به حج فرمود که مفاد آن گویای حرمت اقامه نماز جماعت در اماکنی جز مکان اصلی و شرعی در نظر گرفته شده در مکه مکرمه و دیگر اماکن حج بود؛ اماکن اصلی نماز جماعت نیز چنانکه می‌دانیم بیت‌الحرام و مساجد عمومی پیرامون آنست. اگر حجاج در پی اقامه نماز جماعت باشند باید همراه با جماعت مسلمانان نماز بگذارند و پشت سر ائمه مساجد مکلف به اقامه نماز – با هر مذهبی که داشته باشند – بایستند؛ از این حکم یا فتوا این نتیجه گرفته می‌شود که اقامه نماز (جماعت) در منازل، هتل‌ها و سکونت‌گاهها [حجاج] حرام است. هدف اساسی حکم شرعی صادره از سوی امام خمینی (قدس سره)، نشان دادن وحدت امت اسلامی بود. امام خمینی (ره) با این فتوا، مسئله "تقریب" را از چارچوب نظری به چارچوب عملی کشاند و از ایشان که به عنوان حاکم و ولی امر مسلمین از این قدرت برخوردار بودند، جز این انتظار نمی‌رفت.

همین راه و رسم را امروز مقام معظم رهبری حضرت آیه‌الله خامنه‌ای نیز دنبال کرده و آنرا در شمار اولویت‌های خود قرار داده‌اند.

در ماه‌های اخیر نیز شاهد تأثیر و انعکاس فتوای صادره از سوی ایشان در سطح کل امت در خصوص حرمت اهانت به همسر پیامبر اکرم (ص) بانو عایشه و نیز حرمت اهانت به شخصیت‌های برجسته متعلق به برادران اهل سنت، بودیم.

بسیاری از علما و شخصیت‌های دینی در دیگر نقاط جهان و مطبوعات و رسانه‌های محلی و جهانی و سایت‌های اینترنتی نیز از آن استقبال کردند همچنانکه امت شاهد تأثیر مثبت آن بر جناب "دکتر شیخ احمد الطیب" شیخ الازهر بود که این فتوا را ستود و آنرا برخاسته از دانش درست و درک عمیق اهمیت اقدامات فتنه‌انگیزان و مفسده‌جویان و علاقه شدید به وحدت مسلمانان دانست و بر نفي تکفیر شیعیان و اعلام اینکه در نجف اشرف پشت سر ایشان به نماز خواهد ایستاد، انگشت گذارد.

سرانجام مسؤولیت دلسوزان امت :

1- از زنان و مردان دلسوز این امت انتظار می‌رود که به تکلیف شرعی در تطبیق مفهوم وحدت اسلامی به عنوان واجب عینی خود در پاسداری از اسلام و مسلمانان و اولویت بخشیدن به اینکار در حرکت‌ها و فعالیت‌های روزانه خود و از این خاستگاه که وحدت امت بیانگر یکی از مهمترین ویژگی‌های این امت است و فارغ از این وحدت نمی‌تواند مدعی هویت کامل خویش گردد، عمل کنند ؛ این وحدت باید اساس چنگ انداختن به ریسمان محکم الهی (بمثابه هر راه پاک و درستی که به خدا منتهی می‌شود) و با تأکید بر وحدت اصل، وحدت خلق و وحدت هدف و وحدت شریعت و راه و ورود جمعی به چارچوب تسلیم کامل در برابر خداوند و با کاشتن اخلاق والا و عناصر فداکاری و گذشتن از منافع تنگ‌نظرانه در راه هدف بزرگ وحدت، صورت پذیرد. و در عین حال همه معیارها و ملاک‌های تفرقه از جمله : زبان، ملیت، میهن، طایفه و رنگ را به يك سو نهد و بر معیارهای بشری علم و تقوا و جهاد و نیز لزوم جستجوی نقاط اشتراك و یکارگیری منطق سلیم یعنی منطق گفتگوی آرام و علمی و ... انگشت گذارد.

2- برخورداری از دیدگاههای روشن در رویارویی با این کارزار و مشخص کردن دوست و دشمن و روشن‌سازی آن برای امت - اعم از جوامع اسلامی و عربی - با بهره‌گیری از تمامی ابزارهای در اختیار و... .

3- احیای اعتماد به نفس در میان تمامی افراد امت و بازگرداندن روح عزت و سربلندی مسلمانان و تثبیت توکل به خداوند متعالی که به امت وعده یاری و پیروزی و عزت داده است : «إِنَّ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُذْهِبْ أَعْدَاءَكُمْ» (سوره محمد - 7) (... اگر خدا را یاری کنید یاریتان می‌کند و گامه‌ایتان را استوار می‌سازد.)

4- علما آنچه‌انکه در سخنان پیامبراکرم (ص) آمده است وارثان پیامبرانند لذا آنها باید نقش حقیقی و مهم خود را بازیابند و مسؤولیت‌های شرعی خود در فراخوانی به وحدت را بر دوش گیرند. آنها سوپاپ اطمینان این امت هستند و مسؤولیت وحدت بخشیدن به امت و توجیه و رهنمونی آنرا همچنان بر دوش دارند. در این راستا از پیامبراکرم (صلی‌الله‌علیه و آله وسلم) آمده است که فرمود : «علما چون ستاره‌های آسمانند که در تاریکی‌های زمین و دریا، بدانها راه می‌جویند و پنهان ماندن ستارگان ای بسا گمراهی رهروان را در پی داشته باشد.»

آنها (علما) اساس رهنموني امت و وحدت آن و پرده گرفتن از توطئه‌ها و نقشه‌ها و دسيسه‌هاي شوم استعمارند و مسؤوليت تغيير اين حالت مذهبي و فرقه‌اي به وضع طبيعي خود از طريق جستجوي عرصه‌هاي مشتركي كه همه مذاهب اسلامي براي پاي‌بندي دارند و بسيار زياد هم هستند، برعهده ايشان است.

5 - تحكيم ارزش‌هاي رحمت و محبت و برادري در جوامع ما بمثابة اساس سامان‌بخش رفتارها و از اين نظر كه در صورت حضور اين ارزش‌ها، الفت معنوي و انگ الهی نیز كه خداوند جهانيان آنرا بر دل برگزیدگان خلق خویش و بندگان پرهیزگارش می‌اندازد، حضور پیدا خواهد كرد. اين ارزش‌ها، حیات بخش روح و روح‌بخش حیاتند؛ چراغ راهنمای دنیا و گوهر دین و مسؤولیت ایمان و تعهد بشمار می‌روند.

این ارزش‌هاي والای انسانی و اسلامي نیروي محرکه‌اي است كه همچنانكه می‌بینیم در آنسوي هر فداكاري و ایثار مقدس مجاهدان بزرگ ما در سرزمین فلسطین و لبنان قرار دارد و همان نیرويي است كه توده‌هاي مقاومت در فلسطین و لبنان را به رغم تمامی ویرانی‌ها و ضربات مهلك ماشین جنگی دشمن صهیونیستی، توان ایستادگی و مقاومت بخشیده است.

این بزرگ مردان و زنانی كه دلهايشان در عشق و محبت خدا و رسول و اهل بیت او (ع) شعله‌ور گردیده است بی‌محایا عرصه‌هاي فداكاري‌ها و ایثارهاي بی‌حساب را درنوردیدند. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.